

ترور سرلشکر صیاد شیرازی ادامه قتل های سیاسی-حکومتی سال گذشته است!

روزنامه "جهان اسلام" به درستی و با اشاره به سوال برانگیز بودن ترور می پرسد، با توجه به اینکه صیاد شیرازی در یک شهرک نظامی شدیداً تحت محافظت امنیتی زندگی می کرده، عاملین ترور چگونه توانسته اند از سدهای امنیتی بگذرند!

در تهران و بعنوان برخی اخبار مربوط به شورای امنیت ملی گفته می شود:

- ۱- صیاد شیرازی با ادامه حصر خانگی آیت الله منتظری مخالفت کرده؛
- ۲- قتل های سال گذشته و یورش به روحانیون طرفدار آیت الله منتظری و حوادث اصفهان را مغایر امنیت ملی دانسته؛
- ۳- خواهان پایان دخالت آیت الله واعظ طبسی در امور واحدهای اعزامی به خراسان شده؛
- ۴- با اعلام حالت فوق العاده در کشور و یورش به مطبوعات به مخالفت برخاسته بود.

* و تدارک خلق ید از دولت محمد خاتمی و سپردن اختیارات آن به شورای مصلحت نظام شروع شد!

بدین ترتیب از آغاز سال ۷۸ که پایان آن همزمان است با پایان عمر مجلس پنجم و برگزاری انتخابات جدید مجلس شورای اسلامی، سخت ترین و عریان ترین جبهه گیری ها در برابر خواست عمومی مردم ایران برای گذار مسالمت آمیز به سوی تحولات، وارد مرحله تازه ای شد.

صیاد شیرازی، نه از فرماندهان خشونت طلب و مخالف جنبش عمومی مردم ایران در سپاه پاسداران، بسیج و نیروهای انتظامی بود، که مردم آنها را در برابر خویش می بینند، و نه از امام جمعه های نویسی تهران، که کوچکترین اعتباری در میان توده مردم ندارند، نه مطبوعات غیر وابسته به بازار و ارتجاع مذهبی از او نام می بردند و نه مطبوعات وابسته به ارتجاع از او خیر و گزارشی منتشر می کردند. بیشترین نفوذ و اعتبار او نزد نظامیان ارتش و واحدهائی از سپاه پاسداران بود، که در جنگ ۸ ساله با عراق در جبهه های جنگ بوده اند. همان نظامیان و افراد واحدهای سپاه پاسداران، که اکنون شاهد آلودگی اکثریت قریب باتفاق فرماندهان رده بالای سپاه پاسداران به جنایت، تجارت و سرمایه داری بازاریاند و مردم آنها را افرادی علیه جنبش عمومی خود می شناسند.

به همین جهت و بدترستی، نخستین سئوالات عمومی مردم پس از انتشار خبر ترور سرلشکر صیاد شیرازی، کنجکاوی پیرامون نظرات و دیدگاه های او در برابر جنبش مردم و نوع مناسباتش با محمد خاتمی بود.

دو خبر از میان انواع اخباری که پس از ترور سرلشکر صیاد شیرازی بر سر زبان هاست، انگیزه ترور و دست های آلوده به این ترور را روشن می کند. نخست آنکه سرلشکر صیاد شیرازی، بعنوان یکی از اعضای پر نفوذ و مطلع نظامی در شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی با رفتاری که علیه آیت الله منتظری می شود، مخالف بوده و این مخالفت خود را در کمیسیون امنیت ملی رسماً اعلام داشته و ادامه آن را مغایر امنیت عمومی ایران اعلام داشته است. دوم آنکه وی مانند همه موارد مشابه در دو سال گذشته، در آخرین بحث های پشت پرده برای اعلام حالت فوق العاده در کشور و بستن مطبوعات و یورش به جنبش آزادیخواهی مردم، بلا مخالفت برخاسته

ترور سرلشکر صیاد شیرازی، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح و عضو کمیسیون امنیت ملی جمهوری اسلامی، که در آغاز دور جدید توطئه های حکومتی علیه جنبش عمومی مردم ایران صورت گرفت، موج بزرگی از ستوال، بحث و تبادل اخبار و شایعات را در میان مردم ایران بوجود آورده است. مردم بدترستی دنبال نشانه های پیوند این ترور با دیگر حوادث توطئه آمیزی می گردند، که طی دو سال گذشته بی وقته علیه جنبش عمومی جاری در کشور به اجرا گذاشته می شود.

سالی که قرار بود با

* محاکمه فرمانده حفاظت (ضد اطلاعات) نیروی انتظامی، سردار نقلی، به جرم شکنجه شهرداران و دایر کردن بازداشتگاه و شکنجه گاه "وصال"،

* رسمیت یافتن شورای منتخب مردم در سراسر کشور و انتخاب شهردار برای تهران از سوی شورای برگزیده شهر تهران،

* اعلام جزئیات بیشتری از پرونده قتل های سیاسی-حکومتی و پیوند بخش هائی از واحدهای امنیتی جمهوری اسلامی به سازمان های جاسوسی اسرائیل،

* افشای رابطه مطبوعاتی نظیر شلمچه و کیهان با عوامل نفوذی اسرائیل در شبکه های ترور،

* کوتاه سازی دست روحانیون صادرکننده فتوای قتل های سیاسی-حکومتی از قدرت نظامی-حکومتی و افشای سازماندهندگان گروه های فشار شروع شود،

با

* یورش به روزنامه "زن"،

* تهدید مطبوعات غیرحکومتی به بستن آنها،

* زمزمه دستگیری ده ها روحانی نواندیش و طرفدار دولت خاتمی،

* تائید حکم محکومیت شهردار معلق تهران و دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی،

* ترور سرلشکر صیاد شیرازی،

سر مقامش باقی بماند. این در حالی است که در آستانه پایان سال گذشته، شیخ محمد یزدی در یک مصاحبه مطبوعاتی، آشکارا موقعت متزلزل خود را بیان کرده و کناره گیری خویش از دستگاه قضائی را عنوان کرده بود. این نکته پنهانی نیست، که رئیس قوه قضائیه در سازماندهی و هدایت شبکه های ترور، در شورای روحانیون صادرکننده فتوای قتل های سیاسی-حکومتی و در ستاد رهبری توطئه ها علیه دولت خاتمی و جنبش مردم حضور دارد و در جریان افشای بخش اندکی از واقعیات پشت پرده ترورهای سیاسی و وابستگی آنها به سازمان های جاسوسی جهانی موقعت او متزلزل شده بود.

ترور صیاد شیرازی و تعطیل روزنامه "زن" حوادثی غیرقابل پیش بینی نبود و در هفته های و ماه های آینده جنبش عمومی مردم ایران شاهد رویدادها و مقاومت های دیگری نیز از سوی طرده شدگان مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری و شوراها خواهد بود. شکست عظیم و رسواکننده نمایندگان ارتجاع مذهبی و سرمایه داری تجاری ایران در انتخابات شوراها (علیرغم همه محدودیت هایی که برای مردم و کاندیداهای مورد نظر آنها ایجاد شده بود) بار دیگر این یقین عمومی را تأیید کرد، که سکان داران دستگاه قضائی، طرفدار ولایت مطلقه، چماقداران خیابانی، دم و دستگاه اتمه جمعه، افراد مورد حمایت شورای نگهبان، افرادی که در لیست "موتلفه اسلامی" مورد حمایت قرار می گیرند، بازاری ها، وابستگان روحانیت مبارز و هر نماینده و کاندیدانی که مردم آنها را وابسته به این طیف تشخیص بدهند، در هیچ انتخاباتی شانس عبور از صافی سنجش عمومی را نداشته و انتخاب نخواهند شد. بنابراین در سالی که باید در پایان آن انتخابات مجلس برگزار شود، مخالفان تحولات، از همان ابتدا خود را برای جلوگیری از شکست رسواکننده دیگری آماده کرده اند. انتخابات مجلس خبرگان رهبری و تحریم آن توسط ۵۶ درصد مردم ایران (که بی شک آمار واقعی آن بیش از اینهاست) نشان داد، که در صورت ایجاد محدودیت ها و موانع شناخته شده بر سر راه کاندیدها و محدود کردن مردم برای انتخاب نمایندگان، انتخابات آینده مجلس با خطر تحریم وسیع آن از سوی مردم روبرو بوده و فاقد هر نوع مشروعیت مردمی خواهد بود. از سوی دیگر، مخالفان تحولات، با زندگان بزرگ انتخابات آینده مجلس خواهند بود و اکثریت کنونی مجلس اسلامی، به اقلیتی ناچیز تبدیل خواهند شد. در این بن بست، دو راه حل در برابر جبهه ارتجاع-بازار و مخالفان تحولات قرار دارد:

۱- شکاف در این جبهه، با هدف پذیرش واقعیات امروز جامعه ایران و خواست مردم ایران که در این صورت، آوار شکست بزرگ بر سر این بخش از جناح راست فرود نخواهد آمد؛

۲- کشاندن کشور به لبه پرتگاه بزرگترین ماجراجویی ها و خونین ترین مقابله ها با جنبش مردم ایران، که در این صورت، چیزی بنام جمهوریت از نظام کنونی ایران باقی نخواهد ماند و مرحله ای نوین، با آرایش جدیدی از نیروهای ملی و میهن دوست آغاز خواهد شد.

ترور سرلشکر صیاد شیرازی، تدارک و وعده حمله به مطبوعات، زمزمه سپردن اختیارات ریاست جمهوری به شورای تشخیص مصلحت نظام و حوادثی از این دست، نه تنها در راستای راه حل دوم، بلکه در جهت جلوگیری از شکافی که در راه حل اول پیش بینی می شود، است. از آنجا که تعمیق آگاهی مردم نسبت به رویدادها، در این مرحله نیز، همچنان بزرگترین وظیفه ملی است، انتظار می رود تمام نیروهای ملی و میهن دوست، مذهبی و ملی مذهبی، روحانی و یاغیر روحانی، علیرغم همه فشاری که از سوی توطئه کنندگان جنبش عمومی مردم ایران را تهدید می کند، بحث های مربوط به حوادث اخیر را در پیوند با رویدادهای توطئه گرانه دوران آستانه انتخابات ریاست جمهوری و دوران پس از این انتخابات در جامعه پیگیری کرده و از طریق این آگاهی عمومی به بسیج توده های مردم برای مقابله با ماجراجوترین بخش جبهه ارتجاع-بازار یاری برسانند.

بود. وی همچنین با ادامه استقرار برخی واحدهای ارتش و سپاه پاسداران در منطقه خراسان و تحت نفوذ و هدایت واعظ طبسی قرار دارند، مخالف بوده است. بیم آن می رود که این نیروها در کنار شبکه مافیائی حجتیه که گفته می شود رهبری آن نیز بر عهده واعظ طبسی است، به عامل مستقیم سرکوب نظامی مردم و ستون اصلی یک کودتای خونین علیه جنبش مردم تبدیل شوند! کودتائی که بر خلاف تصورات رهبران جبهه ارتجاع-بازار هیچ شانسی برای پیروزی ندارد و یگانه دست آورد آن، بردن ایران به سمت یک جنگ داخلی و فراهم ساختن زمینه های مورد نیاز امپریالیسم جهانی برای مداخله مستقیم در امور داخلی ایران است و جنبش کنونی مردم ایران را وارد مرحله به کلی نونی خواهد کرد!

همین اخبار جسته و گریخته که اکنون در ایران بر سر زبان هاست، انگیزه های واقعی ترور حکومتی سرلشکر صیاد شیرازی را از پشت پرده ابهام خارج کرده و دست های واقعی پشت پرده ترور او را برای مردم آشکار می کند. باید امیدوار بود در آینده اخبار و اطلاعات بیشتری پیرامون نظرات و موضع گیری های سال های اخیر سرلشکر صیاد شیرازی به جامعه راه یابد، تا بیش از پیش مشخص شود، قربانیان شبکه ترور حکومتی به چه دلیل و از میان چه افرادی انتخاب می شوند.

اطلاعه های که بنام مجاهدین خلق در پذیرش مسئولیت ترور سرلشکر صیاد شیرازی منتشر شده و یا اخبار مربوط به پذیرش مسئولیت این ترور توسط یکی از سخنگویان سازمان مذکور، که مطبوعات حکومتی با آب و تاب آن را منتشر کرده اند، کوچکترین تغییری در درک عمومی مردم ایران از دلایل واقعی این ترور و شناخت از هدایت کنندگان حکومتی آن بوجود نیاورده است. شاید برخی توابع مجاهدین خلق در شبکه ترور حکومتی بکار گرفته شده و همانند دیگر تروریست های وابسته به حکومت از انواع امکانات نظامی و اطلاعاتی برای اجرای نقشه های مافیای بازار و ارتجاع مذهبی بهره مند باشند، اما این به معنای دست نداشتن مافیای مذکور در ترورهای نظیر ترور سرلشکر صیاد شیرازی نیست.

به موجب شناخت همگانی مردم ایران، ترور سرلشکر صیاد شیرازی بخشی از طرح های جدید و توطئه آمیز جبهه ارتجاع-بازار برای مقابله با جنبش عمومی مردم ایران است.

دور جدید توطئه ها، پس از اعلام نتایج انتخابات شوراها که یکبار دیگر نفرت عمومی مردم از شکست خوردگان انتخابات ریاست جمهوری و وابستگان به جبهه ارتجاع مذهبی-بازاری را به نمایش گذاشت، تدارک دیده شد و از همان نخستین ساعات سال جدید نشانه های آن آشکار گردید. سالی که مردم امیدوارند با تحمیل عقب نشینی به توطئه گران بتوانند نمایندگان وابسته به بازار و ارتجاع مذهبی را از مجلس بیرون کرده و در حد ممکن و مقدور کسانی را به مجلس بفرستند، که اگر با مردم همگام نیستند، حداقل در برابر و علیه آنان نباشند.

سخنرانی علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی در آغاز سال نو، که طی آن مطبوعات غیر حکومتی و آزادی های بسیار محدود کنونی مطبوعات را نشانه گرفت، در حدی که بتوان حرکات و توطئه های آینده را پیش بینی کرد، افشاگرانه بود. این سخنرانی در مشهد، یعنی در کانون بزرگ توطئه ها و مقر واقعی "ولایت" در جمهوری اسلامی انجام شد و آنچه که "رهبر" بر زبان آورد، همان بود که آیت الله "واعظ طبسی"، تولیت آستان قدس رضوی، بیان آنها را، بعنوان سر آغاز دور جدید توطئه های براندازی دولت خاتمی و سرکوب جنبش مردم از وی خواسته بود اعلام دارد!

خط و نشانی که شیخ محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه، در نخستین نماز جمعه سال جدید برای مطبوعات کشید، نشان دادن که به او نیز اطمینان داده شده که برای یورش به جنبش مردم و مقابله با دولت خاتمی به وی نیاز است و بی اعتنا، به شناخت و نفرتی که مردم نسبت به وی دارند، می تواند بر